

## بیانیه پیرامون آدم ربائی در بهشت زهرا

ملت شرافتمند ایران:

در قلعه مخروبه و متروکه‌ای واقع در ۲۰ کیلومتری جاده تهران قم، آدم ربایانی که نه تن از سران و اعضای نهضت آزادی را به اسارت گرفته بودند در حالیکه با چشمان بسته آنان را آزار و شکنجه می‌دادند بازجوئی خود را شروع کردند!... آنها حتی رعایت ۸۲ سال سن و سوابق کسانی همچون دکتر سبحانی را که صرفاً به قصد قرائت فاتحه‌ای بر مزار مرحوم طالقانی در بهشت زهرا حاضر شده بود نمی‌کردند و با فحش و ناسزا و ضرب و شتم سئوالات و ایرادات نامربوطی مطرح می‌ساختند...

واقعه فوق مربوط به دوران طاغوت و حکومت پلیس ساواک نیست، به همین دوران تعلق دارد و در روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت در ماه مبارک رمضان و در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است.

در بیست و پنجمین سالروز تأسیس نهضت آزادی ایران عده محدودی از سران و اعضاء نهضت طبق معمول سالانه برای تجدید خاطره و ادای احترام به بنیانگذاران و فعالین نهضت به بهشت زهرا می‌رفتند تا با نثار فاتحه‌ای بر مزار مرحوم طالقانی و شهید دکتر چمران و سایر شهدای اسلام و ایران وفاداری خود را با آرمان‌های مقدس این عزیزان ابراز دارند.

در مدخل شمالی بهشت زهرا (که استحفاظ آن به عهده کمیته مرکزی انقلاب اسلامی است) مأمورین کمیته سه اتوموبیل حامل افراد نهضت را متوقف ساخته پس از بازرسی صندوق عقب و حتی کیف و جیب سرنشینان، آنها را در معیت اتوموبیل بنز سبز رنگی مجهز به بی‌سیم به خیابان خاکی خلوتی از بهشت زهرا هدایت می‌کنند و تحویل مأمورینی که سوار بر موتور و اتوموبیل در انتظار بودند می‌دهند. سرانجام پس از حدود یک ساعت سرگردانی با بستن چشم‌ها آنان را در صندلی‌های عقب اتوموبیل‌ها نشانده و با خم کردن سرها برای آنکه مردم متوجه این توطئه نشوند در اختفای کامل آنها را در ۳۰ کیلومتری اتوبان تهران قم به جاده‌ای فرعی و خاکی می‌برند و در کنار قلعه‌ای متروکه آنها را چشم بسته به سینه دیوار قرار می‌دهند. آدم ربایان شکنجه‌گر در حالیکه اسیران خود را به باد سیلی و مشت و لگد گرفته بودند آنان را به دلیل اظهارنظر در پایان دادن به جنگ تهدید به قتل می‌کردند و خط و نشان می‌کشیدند. بالاخره پس از یک ساعت و نیم ضرب و شتم و اهانت که منجر به مصدومیت و شکستن دنده برخی از آنها گردید و پس از پنچر ساختن اتوموبیل‌ها دزدانه از صحنه خباثت خارج می‌شوند. در طی این مدت دوستانی که از ماجرا مطلع شده بودند در دفتر نهضت نهایت تلاش را می‌کردند تا با وزیر کشور و مقامات انتظامی تماس حاصل نمایند، هرکس موضوع را به دیگری احاله می‌داد، دفتر وزیر به دفتر معاون سیاسی، دفتر معاون به دفتر مدیرکل و آن هم به اشخاصی دیگر... با پلیس تهران، ژاندارمری هم تماس گرفته شد گفتند پیگیری خواهند کرد، با دفتر نخست‌وزیری تماس گرفته شد گفتند به اطلاع می‌رسانیم، کمیته مرکزی هم گفت خبری نبوده است! (همچنان که در خبر روز بعد کیهان اصل قضیه را نیز به کلی تکذیب کردند.)

\* \* \*

ماجرای تأسفانگیز فوق مربوط به رژیم محمدرضا شاهی نیست و شکنجه‌گران تعلیم یافته ساواک و

موساد به نام شاه آدم‌ربائی و شکنجه نمی‌کردند، بلکه مأمورینی تحریک شده، به نام اسلام و امام در روز روشن، در گورستان عمومی شهر، بی‌نام و نشان، با اتومبیل‌هایی بدون پلاک ولی خریداری شده از بیت‌المال، با بی‌سیم و اسلحه‌ای که از خزانه این ملت رنجیده تهیه شده عده‌ای روزه‌دار را ربوده به شکنجه‌گاه بردند.

این ماجرا در رژیم افتاده است که مدعی است تنها رژیم اسلامی در جهان است، رژیمی که رؤسای سه قوه آن از عناوینی همچون آیت‌الله و حجت‌الاسلام برخوردارند که فرمان، اجازه و یا سکوت رضایت‌آمیز آنان گفته می‌شود "حجت" برای دیگران است!

عجبا! رژیم جبار پهلوی با همه ددمنشی و حکومت پلیسی‌اش همواره حرمت چهره‌های رنج دیده و موی سپید این پیشگامان آزادی و استقلال را حتی در زندان‌هایش نگه داشته هرگز به خود اجازه چنین رذالت‌هایی را نمی‌داد.

اینان متعلق به تنها حزب اسلامی باقیمانده در داخل کشورند که وجود آن به حاکمیت جرأت بخشیده است ادعا کند که در ایران آزادی احزاب و جمعیت‌ها مورد احترام است، حزبی که روزنامه ناشر افکارش در توقیف است، اجازه میتینگ یا سخنرانی در اماکن عمومی را ندارد و هرگاه در محل محدود خود مراسمی برپا کند گروهی از همین قماش، اعضا و مدعوین را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و شکایت‌های مکررش هم به مراجع قضائی هرگز به جایی نمی‌رسد.

می‌خواهند با شیوه‌هایی ضد انسانی همچون تهدید، ارباب، ضرب و شتم، پرتاب کوکتل به منازل و اخیراً آدم‌ربائی و شکنجه در بیابان، و بی‌اعتنائی به شکایات و اعلام جرم‌های قانونی، ما را از انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بازداشته مردم را از شنیدن نظریات و مواضع نهضت برحذر نمایند ولی غافلند که در اظهار کلمه حق و دفاع از جان و مال مردم، ما را با خدای خود عهدی است که تیر ملامت و تیغ شکنجه آن را نقض نمی‌کند.

\* \* \*

ما انتظار تعقیب، دستگیری و محاکمه آمرین و عاملین این توطئه و حرکات مشابه آن را نداریم و در مواردی مشابه همچون حمله به مراسم شب قدر، تخریب و غارت ساختمان، ضرب و شتم مکرر اعضا و مدعوین در جلسات و... به تجربه دریافته‌ایم که "آنچه البته به جایی نرسد فریاد است." انتظار ما از ملت مظلوم ایران است که با بصیرت و چاره‌جویی به این واقعه و وقایع مشابه آن بنگرند و از خود بپرسند: آیا هفت سال پیش در آستانه پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی به مخیله کسی خطور می‌کرد که روزی زیارت قبور پیشگامان نهضت و انقلاب برای همسنگران آنان با چنین عکس‌العمل‌هایی مواجه گردد؟

آیا کسی انتظار داشت که همه صداها خاموش شده صدای ضعیف تنها گروه باقیمانده با ربودن و شکنجه تهدید به خاموشی گردد؟

آیا کسی تصور می‌کرد اختلاف‌نظر سیاسی با حاکمیت تا به این حد غیر قابل تحمل باشد؟  
آیا جز این انتظار داشتیم که در صورت بروز اختلاف، به جای گسیل داشتن جاهلان تحریک شده که به قول شهید مطهری "تیرهایی هستند در دست شیاطین چپ و راست" مقامات قانونی و دادگاه‌ها مرجع رسیدگی و قضاوت باشند؟

مگر همین چند روز قبل نبود که نخست‌وزیر این حاکمیت رسماً اعلام نمود که گروه‌ها و احزاب معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران، هرچند مخالف دولت باشند، مادام که قصد براندازی نداشته باشند آزادند؟ آیا فجایعی از قبل واقعه ذکر شده صرفنظر از آنکه با اطلاع یا بدون اطلاع حاکمیت طراحی و اجرا شده باشد دلیلی بر ضعف و ناتوانی یا بی‌اعتنائی حاکمیت به حقوق ملت نیست؟

به راستی اختلاف و شکاف عمیقی که بین اظهارات رسمی مقامات و عملکرد دستگاه‌های تابعه وجود دارد ناشی از چیست؟ به اظهارات خود اعتقاد واقعی ندارند یا فاقد اقتدار و کنترل کافی نسبت به دستگاه‌های اجرائی و انتظامی هستند (یا هر دو)؟

ملت ایران آزادی‌هایی را که با پیروزی انقلاب به دست آورده بود به تدریج از دست داده و می‌دهد و گروه‌هایی در حاکمیت به تشدید چنین سیاستی کمک می‌کنند. به نظر ما برنامه‌ای که در روز ۲۵ اردیبهشت در بهشت زهرا اجرا گردید در اصل و ماهیت تفاوتی با برنامه‌های سابق (مانند ۲۲ بهمن ۶۳ و ۲۸ صفر ۱۴۰۵) ندارد و حتی بسیاری از مجریان تغییر نکرده‌اند، سیاست اصلی قطع کردن رابطه نهضت با مردم از طریق تهدید و ارعاب اعضاء و علاقه‌مندان است، با این تفاوت که این بار به شیوه‌ای رذیلانه‌تر انجام شد و داغ ننگی بر پیشانی حاکمیت زد.

ما در اینجا از رؤسای سه قوه کشور و مسئولین طراز اول آن سؤال می‌کنیم، آیا احساس مسئولیت نمی‌کنید؟... این است نحوه اداره کشوری که ادعای مدیریت آن را دارید؟ این است نظم و عدالت و قانون و اسلامی که وعده‌اش را به مردم داده بودید؟ و از سایر مسئولین و مقامات و مجریان می‌پرسیم آیا فرمایش پیامبر گرامی(ص) را که "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" را فراموش نموده‌اید؟

آیا نباید انحرافات از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اجرای قاطع و بدون ملاحظه قانون اصلاح گردد؟ آیا وقت آن نرسیده است که عملکرد خود و همکارانتان را بر اساس معیارهای اسلامی که اظهار می‌دارید به آن معتقدید مورد ارزیابی قرار دهید و در مقابل انحرافات و ظلم‌ها و تبعیض‌ها بایستید و مقاومت کنید؟ آیا سخن پیامبر اکرم(ص) را فراموش کرده‌اید که: "الملک ببقی مع الکفر ولا ببقی مع الظلم"؟<sup>۱</sup>

و بالاخره به مأمورینی که ندانسته وسیله این قبیل توطئه‌ها می‌شوند می‌گوئیم شما با این گونه اعمال بیش از هر کس به جمهوری اسلامی، خون شهداء و رهبری مملکت لطمه وارد ساخته و می‌سازید. نگذارید ناآگاهانه ابزار دست دیگران گشته در پیشگاه عدل الهی محکوم گردید. آری اجازه ندهید که به گفته استاد شهید مطهری "تیرهائی در کمان شیطان باشید". وسیع‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون<sup>۲</sup>

نهضت آزادی ایران - ۲۸/ اردیبهشت/ ۶۵

*اگر از چنین شیوه‌هایی انزجار دارید اعتراض خود را کتباً به مقامات مسئول اعلام نمائید*

1. حکومت با کفر پایدار می‌ماند ولی با ظلم برقرار نخواهد ماند.
2. آنان که ستم کردند به زودی خواهند دانست چه سرنوشتی در انتظارشان می‌باشد.